

طرح یک پرسش به بهانه رقم عجیب فروش یک نمایش آزاد

## آیا مردم عوض می‌شوند؟



حسان زور عالم

همه چیز از یک رقم عجیب برایم آغاز شد. زمانی که در پی یافتن وضعیت مالی و فروش نمایش‌ها در روزهای کرونایی بودم، ناگهان با رقم عجیب فروش یک نمایش آزاد در پردیس سینمایی کوروش مواجه شدم. نمایش آزاد به کمدی‌های شبانه‌ای اطلاق می‌شود که از روزهای نخستین شکل‌گیری تئاتر در ایران، از روزگار گراند هتل و مطبوعه فاروس تا لاله‌زار و این‌اواخر سینما گل‌ریز حیات داشته‌اند و با وجود پستی و بلندی‌های بسیار در حیات طولانی خود، همواره بخش محبوب تئاتر برای مخاطب بوده است. حتی اسناد پیش از انقلاب نشان می‌دهد این کمدی‌های سرشار از موسیقی و رقص و شوخی‌های بعضاً جنسی، موفقیت بالایی در گیشه داشته و اساساً صفت آزاد هم از همین جا نشأت می‌گیرد. جایی که

تئاترهای به اصطلاح رسمی با حمایت دولت‌ها تهیه می‌شوند و تئاترهای آزاد مستقل از بودجه دولتی‌اند. آنها از گیشه موفق به تأمین هزینه‌های خود می‌شوند. طبق نوشتار علی قلی‌پور در «پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی» این عبارت ریشه در سال‌های پیش از انقلاب دارد و متعلق به امروز نیست. اگر چه در ادوار مختلف، چه در نظام پهلوی و چه در نظام کنونی تلاش برای کم‌رنگ شدن تئاتر آزاد شده است؛ اما هیچ یک از سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها و حکومت‌ها موفق به حذف این پدیده قدیمی نمایشی نشده است. رقم فروش ۶۰۰ میلیون تومانی یک نمایش آزاد در کوروش، آن هم در وضعیت کرونا و ظرفیت‌های نصف و نیمه و البته هراس مردم برای حضور در فضاهای بسته عمومی، نشان می‌دهد نه سیاست‌های کم‌رنگ‌سازی کار ساز بوده است و نه کرونا عاملی برای سقوط محبوبیت تئاتر آزاد. پس به نظر می‌رسد مردم چندین عوض نشده‌اند و نمی‌شوند. این

عدم تغییر ذائقه عمومی مرا به یاد مطالبی تاریخی در روزنامه اطلاعات به تاریخ دوم آبان ۱۳۱۰ می‌اندازد. نویسنده سرمقاله که نامش پای مطلبش نیست، نگاهی دارد به رفتار عمومی مردم در حین تماشای یک نمایش به نحوی که می‌توان عدم تغییر رفتار را در آنان مشاهده کرد. عنوان سرمقاله «مردم همان مردمند یا عوض شده‌اند؟» است و نویسنده معتقد است با وجود ورود تجدد و تشویق و ترویج معارف جدید، مردم کماکان همان رفتار سابق پیش از مشروطه را دارند. همه چیز از اجرای نمایش «یوسف و زلیخا» در تئاتر زردشتیان شروع می‌شود. نویسنده در هفتمین شب اجرا عازم سالن می‌شود و با جمعیتی کثیر روبه‌رو می‌شود. مدتی محدود است و افراد زیادی پشت در تالار می‌مانند. پرده بالا می‌رود و ناگهان داد و فریاد جمعیت پشت در بلند می‌شود. هر چه زمان پیش می‌رود، فریادها و غریبانه‌ها بلندتر می‌شود. فضا به

تئاتر چیست، سینما کدام است و ایدامیل و رغبتی به این کارها نشان نمی‌دادند. چیزهای دیگری بود که قائم‌مقام تئاتر و سینمای کنونی بود! او این «قائم‌مقام‌ها» را نقالی و معرکه‌گیری و تعزیه و امثالهم ذکر می‌کند؛ اما باورش این است این جایگزینی منجر به جایگزینی فرهنگی نشده است. گویی عادات اجتماعی ما مری ثابت است که با فشار و خواست سیاستمداران نمی‌تواند عوض شود. ترقیات و تجدیدات از مشروطه تا به امروز، گویی ربطی با ذائقه عمومی نداشته است و همه چیز در فرم و شکل زندگی عمومی نمایان شده است.

چندی پیش از پنجره روابط عمومی تئاتر شهر نظاره‌گر جمعیتی کثیر به دور مردی معرکه‌گیر بودم. جمعیت حول مرد شاید بیشتر از مخاطبان یک هفته نمایشی در سالن سایه یا قشقایی تئاتر شهر بود. به نظر می‌رسد تفریحات عمومی مردم در نهایت به همین اشکال قدیمی خلاصه می‌شود. شاید رنگ و لعابشان عوض شده است؛ اما میل عمومی دیدن همان محتوایی است که معرکه‌گیری و تئاتر آزاد فراهم می‌کند. نویسنده سرمقاله مذکور می‌گوید مقصر این فقدان تغییر در ذائقه را نباید در بین مردم جستجو کرد؛ بلکه «تقصیر متوجه کسانی است که وظایف مهم اجتماعی را بر دوش دارند. متوجه اشخاص بصیر و مطلع، واعظ و علما و دانشمندان ماست که به‌وسیله نطق‌ها، کنفرانس‌ها، نشر کتب و غیره مردم را به راه راست هدایت کنند». اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد با وجود میل متولی به تغییر ذائقه عمومی، او خود تسلیم ذائقه عمومی می‌شود. در همین زمان اکنون بخش مهمی از مدیران سابق تئاتر و دلمشغول تئاتر آزادند؛ چرا که در آمد خوبی عایدشان می‌کند. شرایط امروز ایران نشان می‌دهد کماکان وضعیت همان وضعیت سال ۱۳۱۰ است. ذائقه عمومی

تئاتر چیست، سینما کدام است و ایدامیل و رغبتی به این کارها نشان نمی‌دادند. چیزهای دیگری بود که قائم‌مقام تئاتر و سینمای کنونی بود! او این «قائم‌مقام‌ها» را نقالی و معرکه‌گیری و تعزیه و امثالهم ذکر می‌کند؛ اما باورش این است این جایگزینی منجر به جایگزینی فرهنگی نشده است. گویی عادات اجتماعی ما مری ثابت است که با فشار و خواست سیاستمداران نمی‌تواند عوض شود. ترقیات و تجدیدات از مشروطه تا به امروز، گویی ربطی با ذائقه عمومی نداشته است و همه چیز در فرم و شکل زندگی عمومی نمایان شده است.

چندی پیش از پنجره روابط عمومی تئاتر شهر نظاره‌گر جمعیتی کثیر به دور مردی معرکه‌گیر بودم. جمعیت حول مرد شاید بیشتر از مخاطبان یک هفته نمایشی در سالن سایه یا قشقایی تئاتر شهر بود. به نظر می‌رسد تفریحات عمومی مردم در نهایت به همین اشکال قدیمی خلاصه می‌شود. شاید رنگ و لعابشان عوض شده است؛ اما میل عمومی دیدن همان محتوایی است که معرکه‌گیری و تئاتر آزاد فراهم می‌کند. نویسنده سرمقاله مذکور می‌گوید مقصر این فقدان تغییر در ذائقه را نباید در بین مردم جستجو کرد؛ بلکه «تقصیر متوجه کسانی است که وظایف مهم اجتماعی را بر دوش دارند. متوجه اشخاص بصیر و مطلع، واعظ و علما و دانشمندان ماست که به‌وسیله نطق‌ها، کنفرانس‌ها، نشر کتب و غیره مردم را به راه راست هدایت کنند». اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد با وجود میل متولی به تغییر ذائقه عمومی، او خود تسلیم ذائقه عمومی می‌شود. در همین زمان اکنون بخش مهمی از مدیران سابق تئاتر و دلمشغول تئاتر آزادند؛ چرا که در آمد خوبی عایدشان می‌کند. شرایط امروز ایران نشان می‌دهد کماکان وضعیت همان وضعیت سال ۱۳۱۰ است. ذائقه عمومی

همان است. لباس‌ها تغییر کرده؛ اما شکل فکر و مواجهه با فرهنگ خیر. ذائقه مردم در نهایت به سمت شکلی از کمدی است که نه در آن ذائقه پرورانه شده است و نه کمدی‌هایی به رشد داشته‌اند. به هر حال تئاتر آزاد از ابتدای امر کمدی جنسی و مبتذل نبود، روزگاری ابزار دست مشروطه‌خواهان برای انتقاد از حاکمیت وقت بود؛ اما رویکرد حکومتی، همانند دخالت رضاشاه با تشکیل سازمان پرورش افکار و ورود سیدعلی نصر، از مهمترین چهره‌های کمدی در تئاتر ایران، دست‌خوش تغییر و تحول شد. رقم فروش بالای یک کمدی در کوروش هم نشان می‌دهد سیاست سوبسیدی دولت‌ها برای ترویج تئاتر در شکل و قالب مطرح در تئاتر شهر، منجر به اتفاق ویژه‌ای نمی‌شود. با مشکلات عدیده و فشار روانی ناشی از کرونا، گرانی، بیکاری و ... می‌توان حدس زد در آینده نه چندان نزدیک وضعیت تئاتر ایران به سمت کمدی و تئاتر آزاد‌غش خواهد کرد. شاید حتی دولت هم بابت ترویج مصر باشد؛ آن هم با شعار شاداب‌سازی فضای اجتماعی. در نهایت هم منتقدان شاکی از وضعیت خواهند نوشت «آیا مردم عوض شده‌اند؟»

### گردشگری

سازمان ملل گزارش داد:

صنعت گردشگری امسال بین ۱۷۰۰ تا ۲۴۰۰ میلیارد دلار خسارت می‌بیند



نتیجه مطالعه دو نهاد سازمان ملل که دیروز چهارشنبه (۹ تیر / ۳۰ ژوئن) منتشر شده می‌گوید که صنعت توریسم در جهان، به غیر از چند کشور غربی، امسال هم در در کود باقی خواهد بود.

تخمین زده شده این زود خسارتی بین ۱۷۰۰ تا ۲۴۰۰ میلیارد دلار برای صنعت گردشگری در جهان به همراه داشته باشد.

بنابراین گزارش، انتظار نمی‌رود صنعت توریسم تا سال ۲۰۲۳ میلادی بطور کامل به وضعیت پیش از همه‌گیری کرونا برسد.

سازمان ملل در گزارش تحقیقی خود واکسیناسیون و گواهی سلامت‌عاری بودن از کرونا را از عوامل کلیدی احیای اعتماد در جذب گردشگران خارجی بر شمرده است؛ این سیاست بسیاری از کشورها از جمله جزایر کوچک توریستی است که تاحدز یادی اقتصاد آنها به توریسم وابسته است.

### سینما

رقابت «تن پوش» در جشنواره بین‌المللی فیلم فرایبورگ سوئیس



فیلم کوتاه «تن پوش» (The Chick) به کارگردانی بیژن اعرابی و تهیه‌کنندگی سید ماز یار هاشمی در بخش مسابقه سی و پنجمین جشنواره Festival International de Films de Fribourg حضور دارد. به گزارش ایلنا، این رویداد از ۱۶ تا ۲۵ جولای ۲۰۲۱ (۲۵ تیر تا ۳ مرداد ۱۴۰۰) در فرایبورگ سوئیس برگزار خواهد شد. «تن پوش» درباره نوع دوستی انسان‌های گرفتار در مرزهای جغرافیایی است. این فیلم محصول موسسه فرهنگی و هنری «هنر ایده بنیان» است و موسسه «ایریماز» مسئولیت پخش آن را بر عهده دارد. فیلم کوتاه «تن پوش» پیش از این در جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کوتاه (HKIFF) و همچنین VIENNA SHORTS اتریش حضور داشته است. بازیگران فیلم عبارت‌اند از: معصومه قاسمی پور، علی باقری، شهلا اکبری و حسن علیکرمی.

### کتاب

جلداول از چهارگانه «جواهر گم‌شده ادبیات آمریکا» منتشر شد

تابهار صبر کن باندینی



رمان «تابهار صبر کن باندینی» نوشته جان فانتنه با ترجمه محمدرضا شکاری از سوی نشر افق روانه بازار کتاب شد. به گزارش ایلنا، جان فانتنه سال ۱۹۰۹ در دنور به دنیا آمد و در جوانی به لس‌آنجلس مهاجرت کرد. از سال ۱۹۳۰ نوشتن را آغاز کرد و چند داستان در مجله‌های ادبی منتشر شد. مدتی هم در هالیوود فیلمنامه نوشت؛ از جمله برای فیلم «سرشار زندگی» که اقتباسی بود از رمان خودش به اوت لقب «جواهر گم‌شده ادبیات آمریکا» لقب داده‌اند و بوکوفسکی درباره او گفته: «فانتنه خدای من بود». در سال ۱۹۸۷ و پس از مرگش، از سوی انجمن ادبی پن، جایزه یک عمر فعالیت ادبی را دریافت کرد. «تابهار صبر کن باندینی» جلداول از چهارگانه معروف اوست که در بخشی از آن چنین می‌خوانیم: «اسوو باندینی تک و تنها هیچ می‌کشید. آن هم نه باندینی پر در؛ بدتر از آن، با روحی پر درد. کجای دنیا می‌شد دردی بزرگ‌تر از درد روح پیدا کرد؟»

## ریاست لوبون بر بزرگ‌ترین موزه هنر مدرن جهان

لورن لوبون، رئیس موزه پیکاسو در پاریس به ریاست مرکز ملی هنر و فرهنگ ژرژ پمپیدو، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین موسسه هنرهای مدرن و معاصر فرانسه و جهان برگزیده شد. به گزارش هنر آنلاین، سرژ لاسونیه که از ۲۰۱۵ رئیس مرکز پمپیدو در پاریس است، به احتمال زیاد هفته آینده این مرکز بزرگ را ترک می‌کند و لوبون از ۱۹ جولای مسئولیت آن را بر عهده می‌گیرد. لاسونیه با انتشار یک بیانیه از آمدن لوبون استقبال و اعلام کرد به دلیل فعالیت پیشین این چهره هنری در مرکز پمپیدو، می‌توان آینده مرکز ملی هنر و فرهنگ ژرژ پمپیدو را بسیار روشن دانست. پس از آنکه از یک سال پیش اعلام شد لاسونیه در میانه‌های ۲۰۲۱ از ریاست مرکز پمپیدو کناره می‌گیرد، بسیاری از کارشناسان

امیدوار بودند با حضور یک چهره پیشرو و یک دگرگونی بزرگ در شیوه فعالیت مرکز به وجود آید اما به نظر می‌رسد لوبون کسی نیست که همگان انتظارش را می‌کشیدند. چرا که او در موزه پیکاسو نشان داده بود در عرصه هنرهای مدرن و معاصر بیشتر روی چهره‌های قدیمی متمرکز است. کارشناسان معتقدند انتخاب لوبون برای مدیریت کردن در مرکز پمپیدو نسبت به دیگر انتخاب‌های یکی دو سال اخیر در عرصه هنر و فرهنگ فرانسه محافظه کارانه است. بهار امسال لورنس دکارس به عنوان نخستین زن در تاریخ ۲۲۸ ساله لوور مدیریت پرناز دیدترین موزه جهان را بر عهده گرفت و در ۲۰۲۰ هم امانوئل کاسار هر و اولین بومی کاناک بود که به ریاست موزه کوای برانلی -ژاک شیراک برگزیده شد.

روایت بوربور از نمایشگاه «سر خوشی تا سر حد مرگ»

## از طبیعت بی جان تا مسائل اجتماعی

یک روایت را روی بوم می‌آورم و در جریان کار تغییراتی در آن ایجاد می‌کنم. موقع اجرایی بوم ذهن خود را آزاد می‌گذارم تا هر فرآیندی که به موضوع فرم کار هم خوانی دارد به آن اضافه شود. او در باره موضوع آثار این مجموعه گفت: از نظر محتوایی ۱۵ اثر نخست این مجموعه کاملاً شخصی هستند و بیشتر جنبه عاطفی دارند. تابلوهای بعدی اجتماعی تر هستند و بعضی از آن‌ها آرزو محور هستند، یعنی بر اساس خواسته‌ها، احساس نیازها و کمبودها کشیده شده‌اند. مثلاً در تابلوی «مراقب باش چه



نمایشگاه آثار جواد بوربور با عنوان «سر خوشی تا سر حد مرگ» در گالری عصر برپاست. بوربور در گفت‌وگو با هنر آنلاین بایان اینکه این مجموعه از سال ۹۵ تا ۹۸ شکل گرفته و از تکنیک رنگ‌روغن روی بوم استفاده کرده است، گفت: ابتدا

آرزویی می‌کنی» یک چراغ جادو کشیده‌ام که قرار است همه آرزوها را برآورده کند، اما خودش دچار محدودیت‌های فراوان است و امکان این کار را ندارد. در تابلوی «پادشاه همه چیز» یک کلید در قامت شاه کلید قرار گرفته است اما این کلید که می‌تواند رهایی بخش باشد و قفل‌ها را باز کند خودش در بند است و نمی‌تواند کاری انجام دهد. بوربور درباره اینکه همه آثار این مجموعه دارای عنوان هستند گفت: من در خلق آثارم بسیار به ادبیات وابسته هستم و علاقه زیادی هم به شعر دارم. همین‌طور موسیقی که در حین شکل‌گیری کارها گوش می‌کردم و ترانه‌های آن‌ها در کارهایم تأثیر زیادی داشته است. فکری می‌کنم نام تابلوها کامل کننده کارهایم بود و اگر عنوان آثار را در کنار آن‌ها نمی‌گذاشتم باید کنار کارهایم ایستادم و درباره آن‌ها به مخاطبان توضیح می‌دادم.